

فعالیت های اقتصادی ناشفاف و پنهان رهبر

گزارش اخیر **رویترز** (بزبان های انگلیسی و فارسی) درباره دارایی های ستاد فرمان امام و نحوه مصادره اموال توسط این نهاد که تحت هدایت و نظارت ولی مطلقه فقیه اداره می شود، بار دیگر فعالیت های اقتصادی رهبر را که در درون بنیادها تمرکز یافته است، بر سر زبان ها انداخت. البته گزارش رویترز تنها بخش کوچکی از این فعالیت ها را برملا ساخته و با توجه به فقدان اطلاعات کافی از این گونه فعالیت ها و ناتوانی نهادهای نظارتی رسمی و غیر رسمی از جمله مجلس شورای اسلامی، بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، جامعه مدنی و رسانه ها در بررسی فعالیت این نهادها، فعالیت های اقتصادی رهبر ناشفاف و پنهانی اند.

پیشینه

از زمان های دور، روحانیت شیعه از بنیادهای خیریه (اوقاف) برای اجرای برنامه های مذهبی و حفظ استقلال از دولت مرکزی بهره جسته است اما با رشد اسلام سیاسی، سازمان های خیریه به عنوان ابزارهای اقتصادی، نقش مهمی را در پیش برد هدف های سیاسی و ایده نولوژیک اسلام گرایان بعهد گرفته.

آیت الله خمینی که از پیش از انقلاب برای گسترش نفوذش در میان جوانان با چپ گراها رقابت داشت، شعار حمایت از مستضعفین و پیکار با مستکبرین را برگزید. از سوی دیگر از آنجا که ولی فقیه به دولت موقت و نهادهای باقی مانده از نظام پیشین بی اعتماد بود برای در دست گرفتن کامل قدرت و گسترش نفوذ حکومت انقلابی در میان تهیدستان و نیازمندان (مستضعفین)، اجرای برنامه های رفاهی را بموازات نهادهای دولتی در دستور کار قرار داد. بدین ترتیب در اسفندماه سال ۵۷ و در سال ۵۸ شاهد تشکیل بنیادهای گوناگون هستیم که هدف شان را خدمت رسانی به اقشار تهیدست شهری و روستایی، خانواده شهدا و اقشار پائینی طبقه متوسط برای جلب حمایت سیاسی آنان تشکیل می داد.

بنیادها سازمان های اقتصادی و اجتماعی گسترده ای هستند که در فرای پیروزی انقلاب و با فرمان آیت الله خمینی به شورای انقلاب و با مصادره اموال و دارایی های خاندان سلطنت، سرمایه داران بزرگ، شرکت های ملی شده و یا با بهره گیری از بودجه دولتی شکل گرفت. در فرمان آیت الله خمینی به شورای انقلاب برای تشکیل بنیاد مستضعفان تأکید می شد که این اموال "مربوط به دولت نیست و امرش با شورای انقلاب است." این تأکید ویژه گی موازی بنیادها را شکل می داد که با هدف های معینی دنبال می شد. بنیاد مستضعفان و جانبازان، بنیاد شهید، کمیته امداد امام خمینی، بنیاد پانزده خرداد، ستاد فرمان امام، جامعه الصادق، بنیاد امیر المومنین و استان قدس رضوی از جمله این بنیادها می باشند.

گسترده گی فعالیت اقتصادی بنیادها

فعالیت های اقتصادی بنیادها که در فهرست موسسات عمومی غیر دولتی دسته بندی شده اند به دلایل سیاسی ناشفافند و بهمین علت ارزیابی دقیق از میزان و گسترده گی این فعالیت ها امکان پذیر نیست اما شاید به جرأت بتوان گفت که کمتر رشته اقتصادی در ایران می تون یافت که بنیادها در آن فعال نباشند. در زیر به گسترده گی این فعالیت ها در برخی از بنیادها اشاره می شود:

بنیاد مستضعفان

بنیاد مستضعفان که با مصادره اموال خاندان پهلوی و سرمایه داران آندوره تشکیل شد شاید بزرگترین بنیادی است که زیر نظارت ولی مطلقه فقیه اداره می شود. در سال ۱۳۸۲ تخمین زده می شد که ۸۰۰ شرکت تولیدی و خدماتی، دارای ۷۰۰ هزار کارگر و کارمند به بنیاد مستضعفان وابسته اند (گرچه برخی آنرا تا ۱۵۰۰ شرکت برآورد کرده اند) اما تارنمای بنیاد مستضعفان از ۱۷۳ شرکت تولیدی و خدماتی نام می برد که فعالیت های این بنیاد را در بخش های کشاورزی، صنعتی، خدماتی، فرهنگی و اجتماعی تشکیل می دهد. این فعالیت ها از کشت و صنعت، زمین داری، هتل داری، سد سازی و نشر کتاب گرفته تا استخراج مواد معدنی و فروش و صدور نفت را در بر می گیرد! رفیق دوست در سال ۱۳۷۶، در زمان ریاستش بر بنیاد مستضعفان گفته بود " بنیاد بزرگترین موسسه اقتصادی در ایران و خاورمیانه است و از لحاظ تنوع حتی شاید بتوان گفت بزرگترین در تمام دنیاست." به گفته آقای رفیق دوست، بنیاد ۲۸ درصد نساجی کشور، ۲۲ درصد سیمان، حدود ۴۵ درصد نوشابه غیر الکلی، ۲۸ درصد لاستیک و ۲۵ درصد شکر ایران را تولید

می کند. وی افزوده بود " بنیاد ۴۰۰ شرکت فعال دارد که در بسیاری از تولیدات نقش بنیاد چنان موثر است که هر گونه نقصان یا پیشرفت در کار بنیاد در کل کشور اثر گذار است."

استان قدس رضوی

تولیت و یا سرپرستی حرم امام هشتم شیعیان از زمان صفویه که مذهب شیعه رسمیت یافت، بوسیله پادشاهان تعیین می شد که پس از انقلاب به عهده ولی فقیه و ولی مطلقه فقیه گذاشته شد. ثروت های این بنیاد موقوفات امام هشتم، و قوفات افراد خصوصی و نذورات سالانه ۲۰ میلیون زائر از سرتا سر جهان و سود شرکت ها و موسسات وابسته به سازمان اقتصادی رضوی را دربر می گیرد. بیش از ۴۳٪ زمینهای مسکونی شهر مشهد و ۹۰٪ زمینهای قابل کشت استان خراسان و زمینهای بسیاری در سایر شهرهای ایران مانند تهران، قزوین، اصفهان، دامغان، سمنان، یزدو کرمان و... در مالکیت استان است. ارزش تقریبی این زمینها تا حدود ۲۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است. این بنیاد بزرگترین کارفرما در استان خراسان به شمار می آید که مدیریت حدود ۵۰ شرکت و موسسه اقتصادی نظیر نان قدس رضوی، کارخانه آرد، موسسه دامپروری قدس رضوی با بیش از ۱۳۰۰۰۰ راس گاو، و دو دانشگاه تحت عنوان دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دانشگاه امام رضا را در اختیار دارد و گفته می شود فعالیت خود را با خرید سهام شهاب خودرو و کمپاین سازی اراک به حوزه خودروسازی نیز گسترش داده است.

ستاد فرمان امام

این بنیاد در سال ۱۹۶۸ با فرمان ایت الله خمینی و در راستای اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی با مهلتی یک ساله بمنظور شناسایی و مصادره اموال وابستگان به رژیم سیاسی پهلوی تأسیس گردید. براساس این اصل دولت می بایست ثروت های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از پیمان کاریها و معاملات دولتی، دایر کردن اماکن غیرمشروع و سایر موارد را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او، به بیت المال (بخوان ستاد فرمان امام) واگذار کند. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود. اما در عمل پس از فرمان ولی مطلقه فقیه در سال ۷۰ این ستاد به مصادره اموال اقلیت های مذهبی بویژه بهاییان، مسلمانان مهاجر و حتی زندانیان دستگیر شده بوسیله نیروهای امنیتی نیز مبادرت ورزید که معمولاً بدون حضور وکیل و یا نماینده ای از سوی آنان صورت می گرفت. [بنا بر گفته منتقدین](#) از حدود ده هزار پرونده پیگیری شده در ستاد در سال های گذشته، تنها ۵۰ درصد مربوط به وابستگان رژیم پیشین و بقیه مربوط به دیگران از جمله مسلمانان مهاجر به خارج و غیر وابسته به رژیم پهلوی بوده است. این گروه باور دارند که در بسیاری موارد قضات حکم کننده، با پرداخت ۱۰ تا ۳۰ درصد ارزش واقعی آنها، این اموال را بدون اعتراض ستاد، تصاحب کرده اند. در سال ۱۳۸۶ بدستور ولی مطلقه فقیه این ستاد دست به راه اندازی بنیاد برکت زد که بغیر از فعالیت های عام المنفعه در برخی روستاها، از جمله به سرمایه گذاری های گسترده در صنایع داروسازی کشور پرداخته است.

این ستاد یکی از بنیادهایی است که از واگذاری شرکت های دولتی به شبه دولتی ها در زمان دولت کودتا نیز بی بهره نماند. یکی از زیر مجموعه های ستاد با مشارکت با یکی از زیر مجموعه های اقتصادی سپاه ۵۱ در صد سهام شرکت مخابرات را بدون انجام تشریفات مناقصه با شرایطی بسیار مناسب و برخلاف منافع ملی به مبلغ ۸ میلیارد دلار به چنگ آورد. در سال ۱۳۷۹ نیز این ستاد ۴۸ درصد سهام نفت پارس را که بزرگترین معامله بورس آندوره خوانده شد، بدست آورد.

بنا بر ارزیابی رویترز اموال این ستاد به ۹۵ میلیارد دلار بالغ می شود.

لازم به تذکر است که بنیادها با وجود بهره جویی از بودجه عمومی و فعالیت های سود افزایی اقتصادی مالیات نمی پردازند. روزنامه اقتصاد و بازار گزارش کرده که بنا بر گفته حسین وکیلی معاون سازمان امور مالیاتی کشور، بنیاد ها مالیات پرداخت نمی کنند و پرداخت مالیات تنها شامل شرکت های " قیومتی زیر مجموعه این نهادها " می گردد.

عدم شفافیت و غیر پاسخگو بودن بنیادها به گسترش فساد و رانت خواری در این نهادها منجر شده است که نمونه آن اختلاس در بنیاد شهید بود. نظارت ناکافی بر این موسسات این نظریه را تقویت می بخشد که برای

نمونه بنیاد مستضعفان و جانبازان عضو اقتصاد زیر زمینی است و آن بخش از بازاری است که گفته می شود در آن هر چیزی از ارزهای خارجی تا مواد دارویی و سیگارهای امریکایی قاچاق بازارسیاه با سود ۱۰ برابر به فروش می رسد.

اهداف نوشته و نا نوشته بنیادها

در اساسنامه بنیادها ولی فقیه در رأس آنها قرار گرفته و با تعیین هیأت امناء و یا شورای مرکزی (بنیاد مستضعفان، کمیته امداد) و یا تعیین نماینده (بنیاد مسکن و بنیاد شهید) این موسسات را اداره می کند که مأمور اجرای اوامر رهبرند و بطور مستقیم بوی پاسخگو می باشند. با توجه به گزارش های پراکنده ای که از اقدامات اقتصادی و غیر اقتصادی ناشفاف بنیادها در دست است می توان دریافت که این نهادها در کنار برخی فعالیت های رفاهی، نقش اداره اقتصاد موازی و ایده ئولوژیک نظام جمهوری اسلامی بر هبری ولی مطلقه فقیه را بعهدہ دارند که اهداف و کارکرد آنها را می توان به ترتیب زیر خلاصه کرد:

- بنیادها پس از انقلاب فرهنگی و اخراج بسیاری از دانشجویان و استادان غیر حزب الهی و اعدام هزاران چپ گرا و دگراندیش در سال های ۶۰، با پایه گذاری نظام سهمیه بندی در دانشگاه ها، راه را برای تربیت مدیران " مکتبی" و وفادار به نظام تازه در دانشگاه ها هموار ساختند. هم اکنون نیز این نهادها با پرداخت بورسیه های دانشگاهی به تربیت مدیران ولایی ادامه می دهند و فضای امنیتی دانشگاه ها را بیاری دانشجویان بسیجی و امنیتی علیه دانشجویان آزادیخواه بسته تر می سازند. فعالیت های فرهنگی بنیادها را نیز که شامل دوره های آموزشی، اردوهای دانش آموزی و دانشجویی و همایش های گوناگون می گردد، باید در راستای ترویج ایدئولوژی جناح حاکم و در جهت تحکیم پایه های قدرت ولی فقیه در کشور سنجید.

- پیشبرد هدف های سیاسی و ایدئولوژیک نظام دینی به رهبری ولی مطلقه فقیه تنها در درون کشور محدود نمی شود و به برون مرزها نیز کشیده شده است. تشکیل حزب الله لبنان به کمک جمهوری اسلامی و یاری رساندن به جنبش های اسلامی نیز شاهد این مدعاست. بنیادها در این هدف نیز سهم شدند و کمیته امداد امام در کشورهای لبنان، آذربایجان، افغانستان، سوریه و تاجیکستان نیز شعبه هایی برای کمک رساندن به تهدیدستان برآه انداخت که هدفی جز گسترش نفوذ سیاسی جمهوری اسلامی و در رأس آن ولی فقیه نداشته است. این در حالی است که مردم ایران در اثر تحریم ها زیر فشار شدید اقتصادی قرار دارند.

- بنیادها به بازوی اقتصادی ولی مطلقه فقیه برای پیشبرد هدف های سیاسی، مشروعیت سازی و ایده ئولوژیک نیز درآمده اند. برنامه های گسترده این موسسات بویژه بنیاد علوی وابسته به بنیاد مستضعفان در دهه فجر سال ۱۳۹۱ این موضوع را نشان می داد. این بنیاد توزیع هدایایی را بنام " مقام معظم رهبری" در میان دانش آموزان (۸۰ هزار هدیه تنها در استان تهران) در استان های گوناگون بعهدہ داشت. در برنامه میان مدت سوم بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی مصوب سال ۱۳۸۸ نیز " اجرای طرح های ابلاغی سفرهای مقام معظم رهبری و توزیع کالا و ارائه خدمات به محرومان ساکن مناطق محروم .." نیز از جمله وظایف این بنیاد اعلام شده است. به عبارت دیگر اجرای این طرح ها بنام ولی مطلقه فقیه تمام می شود اما صورت حساب آنها را بنیاد می پردازد.

- افزون بر این یکی از وظایف معمول بنیادها جلب حمایت سیاسی اقشار تهیدست و کم درآمد و سازماندهی و بسیج دهها هزار نفر از جمعیت شهری و روستایی برای شرکت در تظاهرات های حکومتی است. این امر از راه ارائه کمک های مالی، خدمات بهداشتی، مسکن و غیره به میلیون ها نفر انجام می گردد. بی تردید بسیاری از این مددجویان به ازاء این کمک ها و یا از ترس از دست دادن این صدقات، به درخواست ولی مطلقه فقیه برای شرکت در تظاهرات حکومتی و یا در انتخابات و یا رأی دادن به کاندیداهای مورد نظر نیروهای نظامی امنیتی لبیک می گویند.

- یکی دیگر از وظایف برخی بنیادها پرداخت پاداشت به وفاداران ولی مطلقه فقیه می باشد. در این رابطه نام ستاد فرمان امام مطرح شده است که در لیست پاداشت بگیران نام ائمه جمعه، افسران امنیتی، بازنشستگان نیروهای امنیتی بچشم می خورد. بر پایه این گزارش، فرماندهان درجه ۱، قطعه زمین ۱۰۰۰ متری و به فرماندگان درجه ۲، قطعه ۵۰۰ متری و پرداخت ۵ میلیون تومان به عنوان حقوق بازنشستگی ماهانه پرداخت می شود.

- بنیادها با خرید و یا مشارکت در شرکت های خصوصی ضوابط رسمی فرهنگی نظام ولایی را به کارمندان این شرکت ها تحمیل می کنند. برای نمونه ستاد فرمان امام موفق شد بخشی کوچکی (۱۶%) از سهام بانک پارسیان را با فشار خریداری کند اما کنترل فضای فرهنگی بانک را در دست گیرد. ازین پس کارمندان زن و مرد بانک ناچار شدند بدون آرایش و بدون کراوات به محل کار وارد شوند.

ولی مطلقه فقیه با اختیارات سیاسی گسترده و فراقانونی اش توانسته است با تکیه بر نیروهای نظامی امنیتی و ذوب شدگان رانت خوار و ولایت مدار، تسلط خویش را بر کشور تثبیت کند. فعالیت های اقتصادی موازی بنیادها تنها در جهت پیشبرد هدف های ایدئولوژیک و سیاسی ولی مطلق فقیه فعال و با اهداف دمکراتیک و آزادیخواهانه ایرانیان در تضادند.

۲۶ آبان ۹۲